



مروری بر پیمان نامه حقوق کودک در پرتو قوانین ایران

دوره «آموزش ضمن خدمت قضات» یکی از فعالیت‌های آموزشی معاونت آموزش دادگستری کل استان تهران است. در این دوره‌ها که با استقبال بالایی قضات روبروست از استادان برجسته حقوق برای تدریس دعوت می‌شود. «مروری بر پیمان نامه حقوق کودک» موضوعی بود که دکتر حسین میر محمد صادقی در یکی از این دوره‌ها تشریح کرده است. آن چه می‌آید متن جلسه مذکور است که توسط میربابایی تنظیم شده است.

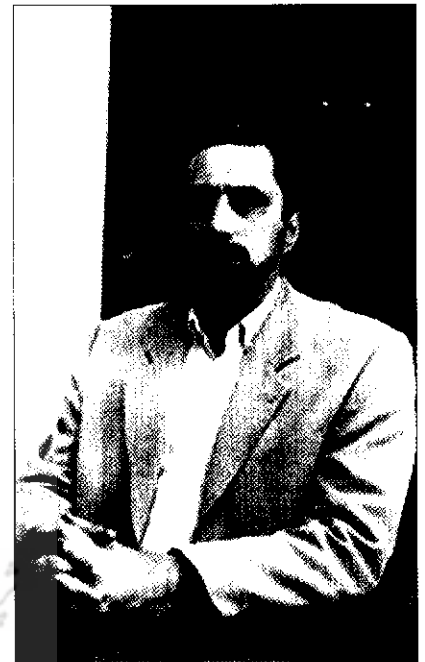
اهمیت پیمان نامه حقوق کودک از این جهت است که دولت جمهوری اسلامی ایران، هر چند با حق شرط و تحفظ، لیکن به هر حال به این پیمان نامه پیوسته است و بر اساس قانون مدنی این پیمان نامه جزء حقوق داخلی ما شده و قابل استناد بوسیله قضات می‌باشد. به نظر می‌رسد، بر اساس مفاد پیمان نامه، دولت ایران ملزم است که در مواردی قوانین داخلی خود را در جهت اهداف کنوانسیون تنظیم کند، که در این خصوص چند پیش نویس در رابطه با دادگاههای اطفال بزهکار و نیز درخصوص قانون حمایت از اطفال تهیه شده و در دست تصویب است. البته لازم به ذکر است که نسبت به حق تحفظ ایران، برخی از دولت‌ها ایرادها و اعتراض‌هایی را مطرح کردند. برخی از دولت‌ها گفته‌اند شرط تحفظی را که ایران بر پیمان نامه قرار داده و طبق آن شرط عدم مغایرت با احکام شرعی را مطرح کرده است این بهانه را به دولت ایران می‌دهد که به هر شکل و در هر حال مفاد کنوانسیون را نادیده بگیرد و برای توجیه آن به احکام شرعی خود استدلال کند. این در حالی است که برخی از دولت‌های دیگر اسلامی که تحفظ‌های مشابهی را لیکن بطور خاص تر قرار داده‌اند، مثلاً در موارد راجع به فرزند خواندگی صراحتاً گفته‌اند که راجع به این موضوع در محدوده احکام شرعی تحفظ قائل شده‌اند بدلیل اینکه

علی‌الاصول این امر با احکام شرعی منافات دارد. برخی دیگر از دولت‌ها نیز که بنا به دلایل خود تحفظ گذاشته‌اند این تحفظ آنها براساس مواد خاصی بوده اما تحفظ ایران درخصوص پیمان نامه حقوق کودک کلی است و به این لحاظ اعتراضاتی را برانگیخته است. به هر حال، درخصوص حقوق کودک مدتهاست که در سطح بین‌المللی فعالیت‌هایی را شاهد هستیم که بطور عمده این فعالیت‌ها در قرن بیستم از سال ۱۹۲۴ آغاز شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

- « اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ که احکامی را درباره حقوق کودک مطرح کرده است؛
- « اعلامیه حقوق کودک در سال ۱۹۵۹ که در آن مواردی از سوی مجمع عمومی سازمان ملل درخصوص حقوق کودک تصریح شده است؛
- « پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۶۶؛
- « پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.
- « قواعد سازمان ملل متحد در مورد حداقل استانداردهای لازم برای اعمال عدالت درباره کودکان، تحت عنوان قواعد پکن در سال ۱۹۸۵؛
- « اصول راهنمای سازمان ملل متحد برای جلوگیری

- از بزهکاری اطفال در سال ۱۹۹۰؛
- « قواعد سازمان ملل متحد برای حمایت از کودک و همکاری در فرزند خواندگی بین کشورهای در سال ۱۹۹۳؛
- « قواعد استاندارد راجع به تأمین موقعیتهای مساوی برای اشخاص معلول در سال ۱۹۹۳؛
- « کنوانسیون مورد بحث ما درباره حقوق کودک در سال ۱۹۸۹ که ده سال بعد از سال جهانی کودک مطرح شده است؛
- « و در نهایت قطع نامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد با عنوان حقوق کودک؛
- این موارد بخش مهمتر اسناد و مدارکی است که درباره حقوق کودک در سطح بین‌المللی وجود دارد ولی بطور کلی گفته می‌شود که قریب به ۸۰ سند و کنوانسیون و مدرک بین‌المللی به نوعی به مباحث مربوط به حقوق کودک می‌پردازد. از میان این مدارک، کنوانسیون حقوق کودک اولاً چون به همه ابعاد کودک پرداخته و ثانیاً بیش از همه دارای ضمانت اجرا برای کنترل رعایت مفاد آن است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. پیمان نامه حقوق کودک در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۵ بوسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شد و از ۲۶ ژانویه ۱۹۹۰ برای امضاء در نیویورک مفتوح و در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ پس از گذشت

۳۰ روز از ارائه بیستمین سند الحاق نزد دبیرکل سازمان ملل متحد، لازم الاجراء شد. این سرعت در لازم الاجراء شدن در مجموع اسناد و مدارک بین المللی یک استثناء است که تنها پس از ۷ ماه از تاریخ انعقاد و تصویب، یک کنوانسیون به مرحله لازم الاجراء شدن برسد. امروز نیز ما شاهد آن هستیم که تقریباً همه کشورهای این کنوانسیون را امضاء کرده اند یعنی حدود ۲۰۰ کشور پیمان نامه حقوق کودک را تأیید و تصویب کرده اند و فقط دو کشور یعنی آمریکا و سومالی از امضاء این کنوانسیون خودداری کرده اند. به هر ترتیب کارکردن در مورد حقوق کودک کاری است سهل و ممتنع؛ ممتنع از این حیث که ما با قشری همچون کودکان روبرو هستیم که نمی توانند از حقوق خود دفاع کنند و به این لحاظ امکان حمایت



از این قشر بوسیله خودشان وجود ندارد؛ و سهل از این حیث که دولتها آمادگی بسیار زیادی از خود نشان داده اند که در زمینه حقوق کودک تعهداتی را بپذیرند که تعداد تصویب کنندگان کنوانسیون حقوق کودک و مدت زمان کوتاهی که برای تصویب آن صرف شده است این مطلب را به خوبی تأیید می کند.

علاوه بر این کنوانسیون دو پروتکل اختیاری وجود دارد که با بحث حقوق کودک مرتبط است و در سال ۲۰۰۰ توسط مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب رسیده است. نخست، کنوانسیون منع استفاده از بکارگیری کودکان در منازعات مسلحانه، و دیگری کنوانسیون فروش و استثمار جنسی و استفاده های هرزه از کودکان. هر یک از این دو پروتکل اختیاری است و در حد خود پیمان نامه، مورد تأیید و تصویب دولتها قرار نگرفته است. تا چند سال گذشته ۴ کشور پروتکل نخست را تصویب و ۸۰ کشور آن را امضاء کرده و پروتکل دوم را هم ۳ کشور تصویب و ۷۳ کشور امضاء

کرده بودند. این آمار در حال حاضر افزایش یافته است.

■ مفاد پیمان نامه حقوق کودک

کنوانسیون حقوق کودک یک مقدمه و ۵۴ ماده دارد لذا این پیمان نامه خیلی طولانی نبوده و در ۳ بخش بعد از مقدمه تنظیم شده است.

بخش نخست، که ۴۱ ماده از این ۵۴ ماده را به خود اختصاص می دهد، مربوط به حقوق ماهوی است که کودکان از آن برخوردار هستند؛ همچنین وظایف دولتها در قبال کودکان که برای رعایت این حقوق موظف شده اند در این بخش آمده است.

بخش دوم مواد ۴۲ تا ۴۵ پیمان نامه را تشکیل می دهد که این مواد ترتیبات اجرای معاهده را پیش بینی کرده است و بخش سوم مواد ۴۶ تا ۵۴ پیمان نامه است که به مسائل شکلی و نحوه امضاء و نحوه حق شرط (تحفظ) و از این قبیل موارد می پردازد.

در مقدمه، کنوانسیون به برخی از ارزشهای مورد حمایت اشاره می کند که این کنوانسیون در جهت اشاعه این ارزشها تصویب و تأیید شده است، مواردی مثل لزوم ارزش گذاری به خانواده به عنوان گروه بنیادین جامعه، لزوم پرهیز از هرگونه تبعیض در برخورد با کودکان، لزوم محبت کردن به کودکان و این امکان را برای آنها فراهم کردن که در فضائی مملو از تفاهم و محبت رشد کنند در مقدمه پیمان نامه تبیین شده است. پس از مقدمه مواد به ۳ بخش تقسیم می شوند. یک بخش از این مواد از کودک به عنوان یک انسان آسیب پذیر حمایت می کند و به این موضوع می پردازد که چه حقوقی را باید برای این قشر آسیب پذیر در نظر گرفت.

بخش دوم مواردی را مطرح می کند که باید از طفل به عنوان یک شخص بزهکار حمایت شود، یعنی اطفالی که بزهی را انجام می دهند باید به نوعی مورد حمایت قانونی قرار گیرند. ذکر این نکته لازم است که اخیراً در ترمینولوژی حقوقی بین المللی حتی المقدر از واژه «طفل بزهکار» استفاده نشده و جای آن از واژه «اطفال معارض با قانون» استفاده می شود. بخش سوم این مواد نیز حمایت از کودک به عنوان قربانی جرم را مطرح کرده که باید چه حمایتی از اطفال به عنوان قربانیان جرم بعمل آید. البته این تقسیم بندی به نحوی که ذکر شد در خود کنوانسیون به وضوح آشکار نیست بلکه برای مرور بهتر این پیمان نامه می توان این تقسیم بندی را از محتوای مواد استنباط کرد.

درخصوص قسم نخست، یعنی حمایت از کودک به عنوان انسان آسیب پذیر و نیازمند حمایت، این بخش را می توان به ۳ قسمت تقسیم کرد:

- ۱- حقوق مدنی و سیاسی.
- ۲- حقوق اجتماعی و اقتصادی.
- ۳- حقوق فرهنگی.

این حقوق مجموعه حقوقی است که برای کودک به عنوان انسان آسیب پذیری که نیازمند این حقوق است در پیمان نامه پیش بینی شده است.

درخصوص حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۲ حق برخورداری از حقوق بدون تبعیض را مطرح کرده که همه کودکان باید بدون هرگونه تبعیض یا توجه به نژاد، رنگ، مذهب و عقاید از حقوق مندرج در پیمان نامه برخوردار باشند. این مورد شبیه به چیزی است که در اصل ۱۹ قانون اساسی ایران درباره همه افراد به آن اشاره شده است.

مواد ۷ و ۸ این پیمان نامه به حق داشتن نام، تابعیت و ملیت اشاره دارد که لازم است کودک از یک نام برخوردار باشند و از این جهت هویت او محفوظ بماند. ماده ۸ شبیه به اصل ۴۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است.

حق توجه به توانایی های بالنده کودک در ماده ۵ مورد تأکید قرار گرفته است که طبق آن بایستی کشورهای عضو اطمینان حاصل کنند که به توانایی های بالنده کودک توجه خاص مبذول می شود.

حق ابراز عقیده آزادانه در ماده ۱۲ مورد تأکید قرار گرفته است که کودک متناسب با سن و میزان رشد فکری خود باید از این حق برخوردار باشد که به نظرات او توجه و اهمیت لازم داده شود. این مورد یادآور آن چیزی است که در روایات و احادیث اسلامی درخصوص اینکه در یک سن خاص لازم است با نوجوانان به عنوان یک مشاور سخن گفت و آنها را در این خصوص مورد توجه قرار داد.

حق دسترسی به اطلاعات در ماده ۱۷ اشاره شده است که مبین این مطلب است که باتوجه به اهمیت رسانه های گروهی؛ کودکان باید بتوانند از این موارد به راحتی استفاده کنند و رسانه های گروهی با تشویق و ترغیب کودکان به ویژه اقلیت ها این حق را برای آنها احقاق نمایند.

حق اجتماعات، آزادی اندیشه، آزادی عقیده و آزادی مذهب در مواد ۱۴ و ۱۵ پیمان نامه مورد اشاره قرار گرفته است و برخی از کشورها در این خصوص تحفظ قائل شده اند. اینها عقیده داشتند که کودک دارای آن مذهبی است که والدین وی دارند و کودکان در سنین نیستند که بتوانند آزادانه مذهب اختیار کنند و اگر بخواهیم چنین حقی را بطور مطلق برای کودک به رسمیت بشناسیم با حق والدین در تربیت کودکان تعارض پیدا می کند. زیرا این حق هم برای والدین وجود دارد که بتوانند حسب اعتقادات خود کودکان خود را تربیت کنند که این نکته در اسناد بین المللی نیز آمده است.

البته به این مطلب این گونه پاسخ داده شده است که این ماده به حق آزادی مذهب و اندیشه اشاره دارد و این به آن معنا نیست که والدین از حق تربیت فرزندان محروم بمانند بلکه منظور عکس آن است، یعنی کودکان بوسیله مسئولان و مقامات دولتی مجبور نشوند که به مذهب خاصی، بر خلاف آنچه که خود یا پدر و اولیاء آنها می خواهند، بگردند.

عدم دخالت غیرقانونی در مکالمات خانوادگی و خصوصی کودک حق دیگری است که ماده ۱۶ به آن اشاره کرده و شبیه این ماده نیز در اصل ۲۵ قانون

اساسی ما پیش بینی شده است.

« حق مورد حمایت واقع شدن در مخاصمات مسلحانه در ماده ۳۸ پیمان نامه مورد اشاره قرار گرفته است. در این ماده پیش بینی شده است که کودک زیر سن ۱۵ سال نباید در مخاصمات شرکت کند. از طرفی در اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی هم فرستادن کودکان زیر ۱۵ سال به مخاصمات مسلحانه، چه به شکل اجباری و چه داوطلبانه، یک جرم جنگی قابل تعقیب در دادگاه کیفری بین المللی محسوب شده است. البته کاری که کشورهای عرب در این خصوص کرده اند اصرار به ذکر قید نیروهای مسلح ملی در این ماده بوده یعنی گفته اند اعزام کودکان زیر ۱۵ سال برای شرکت در جنگ با نیروهای مسلح ملی ممنوع است. چون این ها از بحث انتفاضه دغدغه داشتند که مبادا با این بهانه در مورد بچه ها و اطفالی که در جریان انتفاضه شرکت دارند بگویند یک جرم جنگی بین المللی رخ می دهد. « حق برخورداری از اصل عطف به سابق نشدن قوانین و اصل برائت که در ماده ۴۰ پیمان نامه آمده است و شبیه این ماده در ماده ۴ قانون مدنی آمده است. از طرفی این حق به اصل برائت در اصل ۳۷ قانون اساسی نیز شبیه است.

« حق اطلاع یافتن از موارد اتهام که براساس این حق کودک کی که متهم می شود باید موضوع مورد اتهام به او خبر و اطلاع داده شود که این مورد نیز در اصل ۳۲ قانون اساسی ایران آمده است.

« لزوم استقلال و بی طرفی قاضی در ماده ۴۰ پیمان نامه آمده است که مضمون این مطلب در اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم آمده است. « حداقل سن طفل در بند ۳ ماده ۴۰ پیمان نامه آمده است و این موردی را مطرح می کند که در قوانین ما جای آن خالی است چرا که حداقل سن طفل در قوانین موضوعه ما پیش بینی نشده است که البته در لایحه ای که اخیراً دستگاه قضائی تهیه کرده این مورد پیش بینی و مطرح شده است. منظور از حداقل سن، که در ماده ۴۰ آمده، این است که سن تکلیف یک سقف و یک کف دارد، سقف سن تکلیف ۱۸ سال است ولی سن کف به ما می گوید اصولاً در چه سنی کودک هیچ گونه مسئولیت کیفری نداشته و حتی به تعبیر ما قابل تعزیر هم نیست.

این سن کف را ما در قوانین خود نداریم و شاید دلیل آن این است که سن بلوغ به قدری کم است که زیر این سن را اگر بخواهیم تقسیم بندی کنیم خصوصاً در مورد دختران (یعنی زیر ۹ سال قمری) عملی نیست؛ ولی در لایحه اخیر ی که در قوه قضائیه تهیه شده و درباره جرایم تعزیری ارتكابی از سوی اطفال است، سقف سن ۱۸ سال و در مورد سن کف هم حد؛ با ۸ سال در نظر گرفته شده است؛ یعنی به نوعی صغر تقسیم بندی شده اند.

بنابراین زیر سن ۸ سال (مثل همین چیزی که ماده ۴۰ می گویند) صغار هیچ گونه مسئولیت کیفری ندارند و حتی از باب اصلاح نیز با آنها نمی توان برخورد کرد و

برای بالای ۸ سال تا ۱۴ سال و از آن سن تا ۱۸ سال مجازاتهایی قابل اعمال است که نوع آن در لایحه مشخص شده است.

« حق درخواست پناهندگی در ماده ۲۲ پیش بینی شده است که این حق از نوع حقوق اجتماعی است. از جمله اینکه کودک باید مورد حمایت و مراقبت لازم قرار گیرد که در ماده ۳ نیز به این موضوع اشاره شده است.

« حق حیات و توسعه کودک در ماده ۶ پیش بینی شده است.

« حق برخورداری از سطح زندگی مناسب برای رشد جسمانی، عقلانی، ذهنی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی در ماده ۲۷ پیش بینی شده است که یک بخش از آن همان مورد نفقه است که در قانون مدنی ما هم پیش بینی شده است.

« حق آموزش بطور کلی و حق آموزش هدفمند بطور خاص در ماده ۲۸ آمده است. شبیه به این مطلب را ما در اصل ۳۰ قانون اساسی داریم. هدفمندی آموزش یعنی این که مثلاً کودک بیاموزد که به محیط

زیست احترام بگذارد و در این جهت شخصیت و استعداد های کودک ارتقاء پیدا کند. از طرفی وی باید بیاموزد که یک زندگی مسئولانه در جامعه داشته باشد که این مورد در ماده ۲۹ پیمان نامه مطرح شده است.

« حق حمایت شدن در

قبال بهره کشی اقتصادی نیز در ماده ۳۲ پیمان نامه مورد اشاره قرار گرفته و در برخی از کنوانسیون های سازمان جهانی کار نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

« حق حمایت در قبال سوء استفاده های جنسی در ماده ۳۴ آمده که در خصوص همه اشکال بهره کشی جنسی کودکان می باشد.

« حمایت در مقابل قاچاق شدن، فروش و ربودن کودکان در ماده ۳۵ مورد تأکید قرار گرفته است.

« حق استراحت و تفریح و اوقات فراغت مناسب هم در کنوانسیون مورد اشاره قرار گرفته است.

« حق تأمین اجتماعی در ماده ۲۶ پیمان نامه آمده است و شبیه این ماده در اصل ۲۹ قانون اساسی ایران هم وجود دارد.

« حق برخورداری از بهداشت در ماده ۲۴ آمده که شبیه اصل ۲۹ قانون اساسی است.

« حق فرزند خوانده شدن در ماده ۲۱ پیمان نامه ذکر شده است.

« مسئولیت مشترک والدین در ماده ۱۸ پیمان نامه آمده است که شبیه این مورد در قانون مدنی ایران آمده است که طبق آن تربیت فرزند هم حق و هم تکلیف والدین است، (ماده ۱۱۶۸ و ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی).

« حقوق فرهنگی از جمله در ماده ۳۰ آمده که کودک می تواند از فرهنگ خود برخوردار باشد مخصوصاً در

جاهاتی که کودکان جزء اقلیت باشند. در ماده ۱۷ هم اشاره شده است که باید به نیازهای کودک به عنوان اقلیت توجه شود. در ماده ۳۱ نیز شرکت در حیات فرهنگی کشور مورد اشاره قرار گرفته است که بایستی فرصتهای برابر برای کودکان ایجاد شود تا آنها بتوانند در فعالیتهای هنری فرهنگی و اجتماعی کشور شرکت داشته باشند.

■ حقوق کودکان معارض با قانون

حقوقی که در این قسمت مطرح می شود حقوق کودکانی است که معارض قانون بوده اند. این حقوق عبارتند از:

« عدم شکنجه یا رفتار تحقیرآمیز (بند الف ماده ۳۷).
« حق محروم نشدن از آزادی و عدم توقیف بطور خودسرانه و برخلاف موازین قانونی (بند ب ماده ۳۷).

« حق اینکه در صورت دستگیری با کودک رفتار انسانی بشود (بند ب ماده ۳۷).

« حق دسترسی به خدمات حقوقی (یعنی مجموعه حقوقی که اگر کودک مرتکب جرمی شد بایستی از این حقوق به عنوان کودک معارض قانون برخوردار باشد)

این موارد در پیمان نامه مورد اشاره قرار گرفته است.

■ حقوق کودک به عنوان قربانی جرم

بالاخره حقوق کودک به عنوان قربانی جرم قرار دارد که به برخی از آنها قبلاً اشاره شد، مثل حسق مسورد بهره کشی جنسی قرار نگرفتن (ماده ۳۴) مورد قاچاق و

ربوده شدن و سایر اشکال بهره کشی قرار نگرفتن (ماده ۳۶) و مورد سوء استفاده در مصرف و قاچاق مواد مخدر قرار نگرفتن (ماده ۳۳).

■ مکانیزم و روش اجرایی مفاد پیمان نامه

درخصوص چگونگی و مکانیزم اجرایی مواردی در ماده ۴۴ پیش بینی شده است. در بار نخست ۲ سال بعد از الحاق، هر کشور عضو، گزارشی را به کمیته کارشناسان ارائه می کند مبنی بر این که چه اقداماتی را در زمینه حقوق کودک انجام داده است. پس از ۲ سال هم هر ۵ سال یکبار هر دولتی معمولاً این گزارشها را به کمیته ها می دهد که باید مورد بررسی کمیته قرار گیرد. ذکر این نکته لازم است که دولت جمهوری اسلامی ایران یکی از دولتهائی است که در خصوص حقوق کودک گاهی مورد تشویق قرار گرفته است برای مثال در اوج دورانی که افرادی مثل کاپیتورن یا گزارش گره های ویژه ای که از وضعیت حقوق بشر در ایران برای کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد گزارش تهیه می کردند و از این حیث دولت ما را محکوم می نمودند، معمولاً یکی از بندهای مشتی که در گزارش های خود به آن اشاره می کردند بحث حقوق کودک در ایران بود و در عین حال که مجموعه گزارش های آنها به سازمان ملل متحد منفی بود ولی از انجام این تلاشها در ایران تقدیر می شد.

دولت جمهوری اسلامی ایران یکی از دولتهائی است که در خصوص حقوق کودک مورد تشویق قرار گرفته است و در این باره در مجامع بین الملل خیلی در مظان انتقاد و اتهام نبوده است